

تاریخ انکار شیطان در عهدین و قرآن کریم

سلیمان عباسی^۱، محمدهادی امین ناجی^۲، علیرضا دل افکار^۳، جعفر نکونام^۴

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱۰)

چکیده

تاریخ انگاره، از روش‌های نوین با رویکردی تاریخی است که مفهوم و انگاره مشخص را بررسی و تغییرات مؤلفه‌ای را در آن شناسایی و گستردگی، تنگنایی و دگرگونی‌ها را در طول تاریخ - که بر مفهوم ایجاد گشته - نشان می‌دهد. مفهوم شیطان به مثابه یک انگاره تاریخی با معنانشناسی و ریشه‌شناسی پیونده خورده که در گستره تحول تاریخی قرار دارد. شیوه کاربست واژگانی جانشین‌های این مفهوم در متن مقدس و کارکردهای متنوع فریبندگی، هوشمندی و آزمایشگری، کیفیت دوگانه عینی و انتزاعی آن، بازنمونی از همکنشی باورمندان این متن با فرهنگ‌های ناهمسان و نحوه دگردیسی آن است. در این میان قرآن کریم با روایتگری منسجمانه معنای ویژه از مفهوم شیطان در پیوند با نظام گفتمانی خاص ارائه داده است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیل متن در معنای کلی آن و مبتنی بر وضعیت کاربرد عملی واژگان جانشین شیطان را در روایت‌گری تنخ و قرآن کریم با سویه در زمانی، شیوه دگرگونی این مفهوم را مورد خوانش قرار داده است.

کلید واژه‌ها: انگاره، اسطوره، شیطان، قرآن کریم، کتاب مقدس.

۱. دانشجوی دوره دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران جنوب (نویسنده مسئول)؛ abbasi@uast.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور تهران (استاد راهنما)؛ Mh_aminnaji@pnu.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور تهران (استاد راهنمای همکار)؛ Delafkar@pnu.ac.ir

۴. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (استاد مشاور)؛ jnekoona@gmail.com

۱- بیان مسأله

پیشینهٔ تکوّن انگاره‌ها به قدمت حیات بشر است و امروزه همهٔ حوزه‌های زیست بشری را دربر گرفته و با القای نوعی تفکر قالبی، تصویرهای ذهنی خوشایند، ناخوشایند یا خنثی در برابر حوادث مختلف ایجاد نموده است. (غفاری و دیگران، ۱۴۱) در واقع انگاره‌ها مفاهیمی بین‌الذهانی‌اند که یک درک ساخت‌یافته در ذهنیت غالب اهالی جامعه را از امور عینی تا انتزاعات ذهنی نمایش می‌دهند. (خانی، ۱۰) تاریخ انگاره به عنوان متمم موضوع انگاره، یک موقعیت مطالعاتی است که به مباحث پیدایش، ماندگاری و دگرگونی انگاره‌ها در امتداد زمانه، تطور کاربست آن‌ها در ادوار متعدد یک فرهنگ یا تمدن، چرایی و علل تحولات می‌پردازد. پژوهنده تاریخ انگاره در پی فهم تصورات ذهنی پیروان یک فرهنگ از یک انگاره، کارکردهای آن در جامعه، علل و چگونگی دگرگونی انگاره در گذر زمان است. (همانجا) در این راستا مفهوم شیطان به عنوان انگاره‌ای که بشر در گسترهٔ تاریخ با آن رویارویی نموده، در متون مقدس هم بازتاب یافته است. رهیافت تاریخ انگاره شیطان در متون مقدس، به کاربست این مفهوم در این متون، شیوه روایت‌گری و دگرگونی آن می‌پردازد. فرایند تکوینی تنخ و انجیل^۱ در گستره زمانی و همکنشی با اقوام و ملت‌ها، انگاره شیطان را در این متون دچار دگرگونی و ناهمسانی در نوع روایت نموده است. البته قرآن کریم از جهت روایت‌گری مفهوم شیطان از انسجام ویژه بهره دارد که در پیوند با نظام گفتمان و چگونگی تکوّن آن است.

برای بازنمودن این انگاره در متون یادگشته نیاز به بازخوانش روایت‌های این متون و

۱. با نگرش درون دینی کتاب مقدس به نگارشگران آن الهام گشته است، بنابراین خداوند نگارندهٔ آن شمرده می‌شود. (آشتیانی، ۵) به باور یهودیان تورات توسط موسی (ع) در هزاره دوم ق.م. به رشته تحریر درآمده است (Baden, 13) این باور در پیوند با روایت‌گری تورات می‌باشد. (خروج، ۲۴: ۱-۴، خروج، ۲۴: ۱۲ و ۳۲: ۱۶؛ تثنیه، ۴: ۱۳ و ۵: ۲۲ و ۹: ۱۰) نقل‌های تاریخی عهد عتیق از روند شکل‌گیری تورات گزارش‌های بسامانی نیست. (دورانت، ۳۶۳-۳۶۶؛ شاله، ۳۰۲-۳۰۹؛ بوکای، ۳۲) در باور بیشتر مسیحیان نگارشگران اناجیل به واسطهٔ الهام (دوم تیموتائوس، ۳: ۱۶؛ میلر، ۷۱) آن‌ها را نوشتند، اما آغاز تکوّن انجیل آمیخته با ابهام است. (شاله، ۴۰۴)

تأثیر عوامل زیسته در شیوه تکونی آن است. در این راستا فهم پیدایی، بقاء و دگردیسی انگاره شیطان در کتاب مقدس، نیاز به واکاوی آن در گستره تاریخ انگاره‌ای در مصر، میان‌رودان و فرهنگ‌های تمدنی مجاور است. انگاره شیطان در قرآن کریم هم، در پیوند با نظام گفتمانی قرآن و زمینه‌های نزولی است. بر این اساس پرسش‌های این پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود:

الف- منشأ انگاره شیطان در متون عهدینی و متن قرآن کریم چیست؟

ب- انگاره شیطان در گذر تاریخ، متون عهدینی و قرآن کریم چه تطوراتی یافته است؟

ج- علل و زمینه‌های تاریخی تطورات این انگاره در کتاب مقدس چیست؟

روش این جستار اسطوره‌شناختی، تاریخی و شیوه کار رفت آن در متون کتاب مقدس و قرآن کریم است. در این رهیافت کوشش شده است پیدایی و دگرگونی انگاره شیطان در بستر تاریخی، متن مقدس و قرآن کریم بازخوانش شود.

در آغاز برای بررسی تاریخ انگاره شیطان در متون دینی دو مفهوم اسطوره و تاریخ‌انگاره در پیوست با این موضوع بازخوانش می‌شود و در ادامه چگونگی کاربست آن در این پژوهش به آن پرداخت می‌شود.

واژه اسطوره^۱ پیش از قرن نوزده به کهن روایت‌های وهم‌آلود، افسانه‌نگری و رؤیاگونه گفته می‌شد که با توسعه و رشد دانش‌ها، برداشت‌ها از آن نیز دگرگون شد. در نگرش پساست، اسطوره‌ها به مثابه آینه‌هایی به شمار رفتند که آن‌سوی قرن‌ها را که تاریخ از روایت آن بازمانده داده را بازتاب داده و زبان به سخن باز نموده و فرهنگ انسان‌های نخستین را به حال پیوند زدند. (هینلز، ۹) بر این اساس اسطوره کوشش انسان‌های نخستین

۱. در باوری واژه «اسطوره» برگرفته از زبان آرامی (جفری، ۱۱۳) و پنداری از واژه یونانی هیستوریا، (Historia) در معنی «جستجو و آگاهی» و «داستان» گرفته است. این لغت در زبان انگلیسی، (Story) به معنای «داستان و حکایت» و در زبان فرانسه، (Histoire) به همین معناست. بر ریشه آن را تازی (اشرفی، ۱۱۶) و از واژه «السَّطْرُ» یعنی نوشتن و خط دانستند (فیروزآبادی، ۱۱۱/۲؛ ابن‌منظور، ۳۶۳/۴؛ طریحی، ۳۳۱/۳) بنابر آنچه که آمد، معنای کار رفت اسطوره در این پژوهش، روایت است.

برای ادراک و درونی سازی رویدادهای هستی به شمار رفت. (فروند، ۷۷؛ الیاده، ۹) در این راستا اسطوره روایت یا تفسیر انسان آغازین از ایزدان، فرشتگان، موجودات فرا طبیعی و جهان است. بنابراین اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمانی ازلی رخ داده و به گونه‌ای نمادین، تخیلی و وهم انگیز می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد، یا از میان خواهد رفت (اسماعیل‌پور، ۱۴) و پدیده‌ها در روایت‌گری اسطوره‌ای در پیوند با فرهنگ‌ها و الگوواره‌های نظام حاکم بر آن خوانش می‌شوند.

تاریخ انگاره^۱ همان دانش‌های نوپدید در تاریخ نگاری در گستره تاریخ اندیشه است^۲، که رویدادهای تاریخی را در پرتو اندیشه‌ها و آموزه‌ها بررسی می‌نماید. در بیانی این دانش به تحول معنایی انگاره‌ها و مفاهیم در بستر تاریخ اندیشه از جهت تکونی، ثبات و دگرگونی محتوایی و نیز گستره، تنگنایی و یا بازآفرینی مفاهیم در فضای بومی و فرهنگی ویژه می‌پردازد. (Lovejoy, 8) از مباحث مهم تاریخ انگاره حوزه روش‌شناختی آن در روی‌آوری به اصل دوگانه «زمینه‌گرایی» و «متن‌گرایی» است که در نوشتارها از آن تعبیر تاریخی و فلسفی شده است. براین اساس تاریخ انگاره با روش‌شناسی ویژه به چگونگی مطالعه یک اندیشه یا نظام اندیشه مشخص می‌پردازد و یا این که مفاهیم را در نسبت با شرایط تاریخی و اجتماعی پیدایش و تکونی آن روایت نموده و اندیشه را در بستر خاص خود به آن معنا می‌بخشد. (Kelley, 3-25) در رهیافت فلسفی یا متن‌گرایی، مفاهیم در متون به طور مستقل از مناسبات و تأثیرات سیاسی- اجتماعی بررسی می‌شوند و تنها براساس ساختار درونی و انسجام در متن استدلال می‌کند. اما در رویکرد تاریخی یا زمینه‌گرایی، متن اندیشه در پیوست با بستر تاریخی- اجتماعی است. در این راستا موقعیت‌های اندیشه‌ای عصر تکون متن، مفروضات پایه‌ای، سنت‌های فکری و تنش‌های سیاسی- اجتماعی آن باید درک شود. (گلشنی، ۹۳-۹۸؛ مرتضوی، ۲۹۹) تاریخ انگاره با رهیافت کل نگرانه بیشتر بر تحلیل متن در مفهوم فراگیر آن و برپایه کیفیت کاربست عملی

1. History of Ideas

۲. intellectual history / این دانش از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات تاریخی می‌باشد که به مطالعه و بررسی سرگذشت افکار و آرای موجود در میان دانشوران و دیدگاه در ادوار گوناگون و جوامع متفاوت می‌پردازد.

واژه‌ها در جمله با سویه در زمانی تاکید دارد که با شیوه جزیی نگرانه معناساختی و ریشه‌شناسی با سویه همزمانی متفاوت است. با این حال از جنبه نظری منعی جهت پیشنهاد یک سازوکار پژوهشی در پیوند میان تاریخ انگاره و معناسازی وجود ندارد و با کنار هم نهادن «کاوش همزمانی»، یک پی‌آیند کلی را در باب تاریخ دگرگونی یک انگاره در قالب «کاوش در زمانی» توصیه نمود. بنابراین امکان استفاده از رهیافت‌های گوناگون بررسی معنا، بسان معناسازی بنیادی، ساختاری و ریشه‌شناختی برای آماده‌سازی «داده‌های همزمانی» مطالعات تاریخی یک انگاره، فراهم می‌گردد. در این دیدگاه انگاره شیطان در متن مقدس به دلیل شرایط ویژه تکونی آن در فرایند زمانی و همکنشی با فرهنگ‌های ناهمسان (میان رودانی و مصر) افزون بر بازتاب یافتن در متن، نوع دگردیسی و بازآفرینی معنایی براساس گفتمان خاص تنخ^۱ قابل پی‌جویی است. این شیوه در قرآن کریم نیز با خوانش انگاره شیطان در پیشانزول قرآن و نحوه رویارویی متن و حیانی با آن قابل دریافت می‌باشد.

پیشینه تحقیق

مطالعات و نوشتار در حوزه تاریخ انگاره شیطان به صورت یک ترکیبی انجام نشده بلکه نوشتارهای به‌صورت مستقل تنها در یک جزء همانند تاریخ انگاره و یا شیطان صورت گرفته است.^۲

۱. به مجموعه کتاب‌های دینی یهودیان تنخ گفته می‌شود. در این سامانه، اسفار پنج‌گانه به اضافه اسفار انبیا (نوئیم) و نوشته‌ها (کتوبیم) می‌باشد، که تورات مهم‌ترین بخش آن است. (هوشنگی و دیگران، ۳۷-۳۸)
۲. در این میان می‌توان به نوشته‌های «قرآن‌پژوهی و تاریخ انگاره‌ها» از خانی (۱۳۹۷)، «مقدمه‌ای بر تاریخ نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای» از گرامی و همکاران (۱۳۹۶) و «مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای» از قراملکی (۱۳۹۶) اشاره نمود. گستره نگارش‌ها درباره انگاره شیطان به دلیل کاررفت پربسامد آن در عهدین و قرآن کریم بارهیافت‌های گوناگون انجام شده است. برخی از نگاشته‌ها همانند «بررسی تطبیقی تصویر شیطان در ادیان الهی» (یعقوبیان، ۵۷-۷۴) که با رهیافت تطبیقی به بررسی تصویر شیطان در سه کتاب اوستا، کتاب مقدس و قرآن پرداخت. نوشته «شیطان در آموزه‌های قرآن کریم و کتاب مقدس» (مرزآنی، ۸۷-۱۱۰) با شیوه تطبیقی جایگاه و کارکرد شیطان را در نظام هستی توصیف کرد؛ «معناسازی نوین از واژه شیطان» (عسگری، ۲۰۴-۲۱۹) با معناسازی تاریخی و توصیفی در قرآن، و «تفاوت یا همسانی شیطان و ابلیس» (ممتحن و دیگران، ۱۲۳-۱۴۰) با بررسی معناساختی پایه‌ای و کاربردی آیات و روایات به همسانی یا ناهمسانی این مفهوم در متون دینی اسلام پرداخته است. اما پژوهشی با نگره تاریخ انگاره‌ای نگارش نیافته است.

۲- همسویی پدیده شر و انگاره شیطان در اساطیر پیشاهمدین

در رهیافت ادیان کهن، انگاره شیطان در همسویی با مسأله شر و رنج آدمیان قابل خوانش است. انسان کهن هرچند مفهوم شیطان را برای امور ناخوشایند زیست خود به کار نمی برد ولی از آن به «شر»، «نیروی شر» یا «ارواح خبیثه» یاد می کرد. در این پندار آنان رخدادهای ناگوار زیست انسانی همانند بیماری و پدیده های طبیعی را به پدیده های پنهانی بسان خدایان شر، شیاطین، دیوها، ارواح پلید و جن نسبت می دادند. (خدابخشی، ۴۳؛ سامی، ۲۹۰) پناه بردن به پدیدارها و نمادهای طبیعی و آسمانی همانند حیوانات، گیاهان، اجرام آسمانی و حتی ارواح درگذشتگان و تقدیس آنان، برای رهایی از شر و عوامل رنج، زمینه پیدایش خدایان متعدد را فراهم کرد. اقوام بدوی با سحر و جادو سعی در دفع شرور ارواح گزندرسان و جذب ارواح مفیده داشتند. (الناس، ۱۳)

در روایت اساطیری میانرودانی (سومری، آشوری و بابلی) افزون بر کارکرد شیاطین و توانمندی های ویژه آنان همانند نفوذ در دیوارها، فرود از پشت بامها، ویرانی خانه ها با طوفان، ورود به منازل بدون ممانعت، گسست پیوند زناشویی، ربودن فرزندان از مادرانشان، نام های خاصی برای ایزدان بر اساس نوع شر و کارکردشان خوانش شود. «لابارتو» کودک کش، «لاباسو» مأمور ترس و «احناسو» عامل سیاهی و سیاهی و زردی رخسار بود. (مبلغی آبادانی، ۴۵/۲) سومریان به گروهی از ارواح خبیثه، عفريت ها و جنیان باور داشتند و برای در امان ماندن از شر آنها، قربانی می کردند. (قدیانی، ۳۷) سومریان افزون بر پرستش «خدایان بزرگ» و رب النوع های کشاورزی، به آنیمیستی^۲ و حتی ابتدائی تر از آن

۱. از ریشه های پیدایش انگاره شیطان پدیده رنج در زیست آدمیان است. این پدیده از مهم ترین آموزه های ادیان همانند آیین بودایی است که هستی انسان را در پیوند با رنج دانسته و برای رهایی از آن و رسیدن به نیروانا، روش های مانند شناخت، پندار و کردار درست را توصیه می کند. (رستمی و دیگران، ۵۳؛ بهار، ۱۸۰) این موضوع در ادیان توحیدی نیز بازتاب یافته است که راه تعالی و کمال را همراه با رنج می داند. (اعمال رسولان، ۱۴: ۲۲؛ اول تسالونیکیان، ۳: ۳-۴) و همچنین موضوع رنج در آیات قرآن انعکاس یافته است. (البلد/۴، الانشقاق/۶)

۲. Animism / در لغت «تحریک و تهییج کردن»، (الناس، ۳۲) و در اصطلاح زنده باوری یا جان باوری می باشد. نخستین بار «تایلر» انسان شناس انگلیسی در بیان تئوری اش در خصوص منشأ دین به کاربرست، روح یا روح پرستی گونه ای دین ابتدایی است. (سلیمانی اردستانی، ۴۴) جان گرایان، طبیعت را دارای درک انسان گونه (Anthropomorphic) می دانند و با آن به نیایش پرداخته و برای آن قربانی می کنند تا طبیعت را تحت تأثیر قرار دهند. (توفیقی، ۱۴)

معتقد بودند، آن‌ها بر این باور بودند که ارواح خوب و بد زیادی بر طبیعت حکمرانی کرده و مریضی و مرگ فرو می‌فرستند یا انسان‌ها را در امور زندگی یاری می‌کردند، لذا آن‌ها راستایش می‌کردند. ارواح نهرها - که آن‌ها طبق مذهب رسمی و درجوامع مشترک ستایش می‌شد - هم‌چنین ارواح خانگی - که نگهبان کانون خانواده بودند- و ارواح مردگان - که در مواعد معین برای آن‌ها قربانی می‌شد- از دسته ارواحی بودند که ستایش می‌شدند. در واقع عموم بابلیان برای آیین سحر و جادو - که از باور به وجود ارواح بد و خوب نشأت می‌گرفت- ارزش وافر قایل بودند. «تسخیر جنیان و شیاطین»^۱ و سحر و جادوگری ضمن رواج در بین عموم مردم، مورد پذیرش دین رسمی هم بود و تکمیل گشت. در کنار معبد‌ها، مدرسه‌های مخصوص خوانندگان دعاها و وردها قرار داشت که باورهای عوامانه تسخیر جن و شیاطین را سامان می‌دادند. نیایش‌ها و آیین‌های آمیخته با سحر عوام، توسط این اشخاص، به آیین با عظمتی مبدل گشت که با قربانی همراه بود و سرانجام این آیین مذهبی خاص در مراسم مذهبی آشوریان درج شد. (کاژدان، ۱۵۵) در تمدن‌های مجاور میان‌رودان چون ایران، آیین مزدیسنا دوره هخامنشی بر پایه باور به خدایان خیر و شر استوار بود، که با گذر زمان به ثنویت منجر شد که در نظام اندیشگی ایرانیان ثنوی، اورمزد^۲ / اهورامزدا / سپنتامینو^۳ نماینده خیر، نور و نیکی است و اهریمن / انگره مئینو پادشاه دنیای زیرین، نماینده شر، تاریکی و دروغ است. (کومون، ۱۶۸) علاوه بر این ایرانیان ارواح پلید را دشمن خود می‌پنداشتند و برای دفع شر آن‌ها به جادو و افسونگری می‌پرداختند. (دماوندی، ۹۶) مصریان نیز باور داشتند گناه آدمی تسلط شیطان را در پی دارد و حلول شیطان در جسم انسان موجب بیماری است و با انواع سحر و جادو، تعویذ،

1. Demonologie

۲. در اوستای کهن (گات‌ها) اهورامزدا آفریننده‌ی روشنائی و تاریکی، خواب و بیداری، بامداد و نیمروز و شبانگاه است. (۴۴/۵) او آفریدگار همه‌چیز (۴۴/۷) و فراهم‌کننده‌ی خوشی و ناخوشی است. (۴۵/۹) در این سروده‌ها، اهورامزدا آفریننده‌ی یگانه‌ای است که دوگانگی‌ها و اضداد را با هم آفریده‌است. او آفرینش‌های متضاد را به این دلیل آفریده تا در خدمت انسان باشند. در این راستا تاریکی و روشنی بازتابی از دوگانگی منش دو مینوی نخستین؛ انگره‌مئینو (angra. mainyu) و سپنتامینو (spanta. mainyu) است که از اهورامزدا سرچشمه گرفته‌اند. (مقدم، ۱۶) ولی در اوستای نو به دوگانگی اهورامزدا و اهریمن دگرگون می‌شود.

۳. مینو (mēnōg) دنیایی که موجودات آن در حالت نادیدنی و بدون تن هستند. (Bundahišn, 36,1)

حرز و طلسم سعی در درمان آن داشتند. (دورانت، ۱۵۷ و ۳۰۴) چنین پنداری در میان سامیان رواج داشت. (صفا، ۳۰)

براساس روایت‌گری اساطیری میان‌رودان هر کدام از مظاهر طبیعی جهان هستی خدایی داشت که بر آدمیان برتری داشتند. با گذر زمان باور به چندخدایی سومری‌ها به اعتقاد به تک‌خدایی دچار دگرگونی شد، - بدان‌گونه که با برتری بابل در بین‌النهرین، مردوک / مردوخ خدای برتر بازشناسی شد و بُخت نَصْر، مردوک را به‌عنوان خدای واحد و شخصی خود پذیرفتند که شباهت بسیاری به یکتاپرستی داشت (شاله، ۲۳۳)- با این وجود سایر خدایان به‌طور مطلق از بین نرفتند بلکه جلوه‌ای از خدای برتر به شمار آمدند و گاه به شکل‌های فرشته، شیطان و جن نمود یافتند. (چیغ، ۱۹-۲۰) در نتیجه انسان میان‌رودانی در رویارویی با ناملامتی‌های زیست، آن را به خشم خدایان نسبت داده و یا به شر، نیروهای شریر، ارواح پلید و جن منتسب می‌ساختند و برای دور ماندن از شرور، برای آن‌ها قربانی می‌کردند. (قدیانی، ۳۷) براساس روایت‌گری اساطیری میان‌رودانی از شر، نیروهای شر و شیوه رهایش از آن بازنمایی از سویه عینی و انضمامی این پدیده در نظام گفتمانی آنان دارد.

در ادامه باید افزود که با پیدایش ادیان توحیدی و نظام گفتمانی ویژه آنها، روایت از انگاره شیطان با سویه عینی به‌سوی انتزاعی تغییر یافت. این باز آفرینی و دگردیسی در متن مقدس در روایت‌های آغازین آن در سفر پیدایش قابل بازخوانی است که با روایت‌های اساطیری از جهت انضمامی بودن همپوشانی دارد، اما از سوی دیگر این نیروهای شریر و خدایان شر در مفهومی به نام شیطان متبلور شد و از جایگاه خدایی تنزل یافته و به‌عنوان آفریده یهوه در کنار سایر مخلوقات قرار گرفت. در این روایت‌ها می‌توان دو مؤلفه اسطوره و انگاره شیطان را در دوسوی انضمامی و انتزاعی ملاحظه نمود.

۳- کاربست واژگانی شیطان و جانشین آن در روایت کتاب مقدس

در روایت‌گری کتاب مقدس افزون بر به کارگیری واژه شیطان و کارکرد آن در زیست

پیامبران بنی اسرائیل با گونه‌های ناهمسان اغواگری و آزمون^۱ به جانشین‌های در پیوند مفهومی با آن هم پرداخته شد. هرچند این واژگان دارای تنوع می‌باشند اما از جهت معنایی با آن همپوشانی دارند. در آغاز مفهوم شیطان و برخی جانشین‌ها در کتاب مقدس بررسی و در پی آن به عمده‌ترین جانشین آن پرداخته می‌شود.

۳-۱. انگاره شیطان در متن مقدس

واژه شیطان، عبری שָׁטָן (sātan) اسم عام «هر اتهامی» یا «دشمنی» (Kelly, 1-13, 28-29) که در کتاب مقدس به موجود فراطبیعی (ایوب، ۱ و ۲؛ زکریا، ۳) و دشمن انسان به کار رفته است. (Kelly, 1-13, 28-29; Campo, 603) در پنداری مفهوم انگلیسی "devil"^۲ «ابلیس یا شیطان» تصحیف ترجمه یونانی "diabolos" «سخن‌چین» از ترجمه سبعینی عهد عتیق و نمایاننده واژه عبری به معنای شیطان در کتاب زکریای نبی، باب سوم است. (هاکس، ۵۴۵؛ عسکری، ۲۱۵) واژگان «آبدون»^۳ و «اپلیون»^۴ «هلاک‌کننده» با مفهوم شیطان همپوشانی دارد. (هاکس، ۵۴۵) مفهوم لوسیفر^۵ «درخشان و ستاره صبح»^۶ که در تورات یک بار به کار رفته است. (Kelly, 1-13; Campo, 603) تعابیر «بعزبول» (متی، ۱۰: ۲۵؛ متی، ۱۲: ۲۴؛ متی، ۱۲: ۲۷؛ لوقا، ۱۱: ۱۵؛ لوقا، ۱۱: ۱۸؛ لوقا، ۱۱: ۱۹) به معنای خدای فرار؛ «بلعیال» (یوحنا ۱۲: ۳۱؛ و ۱۴: ۳۰؛ و ۱۶: ۱۱؛ افسسیان، ۲: ۲؛ متی، ۹: ۳۴؛ مرقس،

۱. تتخ در فصل تواریخ (باب ۲۱: ۴-۱) به ماجرای شیطان و اغواگری او بر ضداسرائیل را گزارش می‌کند. در کتاب ایوب (باب ۱: ۲-۱۲ و باب ۲) و کتاب زکریا (باب ۳: ۵-۱) شیطان نقش آزمایشگر پیامبرانی همانند ایوب، داود و یهوشع را ایفا می‌کند.

۲. کلمه devil انگلیسی و برگرفته از dēofol و مأخوذ از diabolus لاتین است.

۳. هاویه به حضور او عریان است، و آبدون را ستری نیست (ایوب، ۲۶: ۶)؛ آبدون و موت می‌گویند که آوازه آن را به گوش خود شنیده‌ایم. (ایوب، ۲۸: ۲۲؛ امثال، ۱۵: ۱۱؛ ۲۷: ۲۰)

۴. اپولیون واژه یونانی Απολλων از ریشه απολλυειν «نابودگر» در کتاب مکاشفه یوحنا (۹: ۱۱) معادل حیوانی که در این کتاب معرفی شده که امروزه به عنوان نام معادلی برای شیطان به کار برده می‌شود.

۵. Lucifer הליל

۶. ای ستاره درخشان صبح، چگونه از آسمان افتادی! ای که بر قوم‌های جهان مسلط بودی، چگونه بر زمین افکنده شدی! (اشعیا ۱۴: ۱۲)

۳: ۲۲؛ لوقا، ۱۱: ۱۵) از تعبیر دیگر شیطان در کتاب مقدس است که به معانی رئیس این جهان، رئیس دیوها، خدای این جهان، ابلیس، قاتل، پدر دروغ‌گویان، اهریمن و اژدها، مار قدیم، دشمن و شیر غران است.

۳-۲. کاربست مار در متن مقدس و اساطیر

از عمده‌ترین واژه‌ها در پیوند با مفهوم شیطان کاربست واژگانی اژدها و مار در روایت‌گری تنخ^۱ می‌باشد. این مفاهیم در فرهنگ و تمدن‌های میان‌رودانی مار و اژدها، مفاهیمی هستند که گاه جایگزین هم در نماد شر و بدی‌اند. این خوانش در اسطوره‌های ایرانی به اهریمن (انگره مئینو) دیوی دیرین نامبردار گشته که می‌تواند به صورت سوسمار/ مارمولک یا مار درآید و برای ستیز با نیکی، از سایر دیوها نیز یاری می‌جوید. (کرتیس، ۱۲۱) البته در روایت‌های میان‌رودانی این مفاهیم دارای کارکردی دوگانه^۲ هستند که افزون بر نقش‌آفرینی آنها در آفرینش به دست پهلوانان کشته می‌شوند. در اسطوره بابل، مردوک با شمشیر بر اژدهای بال‌داری چیره شده است. (ژی‌ران و دیگران، ۷۱) در فرهنگ میان‌رودانی با باروری قرین بوده و دورکننده نیروهای شیطانی است. مارها بر دروازه‌ها، به گرد سرشاهان، به گرد محرابها، و بر دسته سلاحها و کوزه‌ها و گلدانها نقش می‌شدند و در حالی‌که به خود پیچیده بودند، تختگاه خدایان به شمار می‌رفتند. تصویر ماری که بر گرد درخت زندگی پیچیده است، خود نماد برکت بخشی بود. مار در این فرهنگ‌ها به مرز خدایی رسیده بود. (مظفری، زارعی، ۹۱) مار در دوران کهن مورد اکرام واقع می‌شد، در اسطوره‌های میان‌رودانی، خدایان با اندامی مارگون یافت می‌شوند. تیامت، نخستین

۱. تورات در سفر پیدایش (باب ۳: ۱-۱۵) از ماری فریبا و باهوش سخن رفته که ابتدا حوا سپس آدم (ع) را گمراه می‌کند.

۲. کارکرد دوگانه اژدها در اساطیر غیر میان‌رودان هم قابل پی‌جویی است. در اسطوره‌های چینی آن را در پیوند با آب و باران بوده و نامیرایی (رستگار فسایی، ۱۷) و نماد اندیشه‌ورزی، اقتدار، باروری دانسته شده (نایب‌زاده و دیگران، ۲۴۰) که خیرخواه و دارای تقدس است (رستگار فسایی، ۲۱) اما در برداشت آریائیان ناسودمند به شیطانی بدل گشته است. (کلانتر و دیگران، ۲۵۵-۲۵۶) در روایت اساطیری نیز یونان نیز دارای دو کارکرد مثبت و منفی است. (همو، ۲۵۷-۲۵۸)

مارخدای آفریننده در اسطوره‌های سومری، به سان ماری بزرگ نمایان می‌شود. در اسطوره آفرینش بابلی «انومه الیش»^۱ آمده است که فرزندی به شکل مار از تیامت زاده می‌شوند. (Thorkild, 104) پرستش مارخدایان در میان‌رودان، دارای پیشینه‌ای دیرینه است، نگاره دو مار به هم گره‌یافته که گویا دارای تنی واحدند، از جمله مارخدایان «نیرح»^۲ در شهر «دیر»^۳ کرانه بین میان‌رودان و عیلام بود که بنام وزیر «ایشترن»^۴ رب / صاحب شهر دیر ستایش می‌شد. (Skinner, 42-45؛ بلک، گرین، ۲۷۵) از جمله خدایان شبیه مار میان‌رودانی «نین‌گیش‌زیدا»^۵ فرمانروای دنیای زیرزمین در اسطوره سومری است؛ در روایت‌گری بابلی، تیامت^۶ مادر هستی به صورت اژدها صورت‌بندی شده که توسط مردوک کشته می‌شود و از تکه‌های کالبدش عناصر عالم تکنون می‌یابد. (الیاده، ۶۹-۷۰) کارکرد دوگانه مار / اژدها که با حیات و زایش طبیعت پیوند دارند (دو بوکور، ۵۵) و از سوی دیگر نشانه پریشانی و سیاهی / تاریکی هم می‌باشد. (کلانتر و دیگران، ۲۵۴؛ ژیران و دیگران، ۵۹؛ شوالیه، ۱۲۵ و ۱۳۱) دشمنی انسان و مار (اژدها) در روایت گیلگمش آمده که مار، گیاه جاودانه را از قهرمان داستان «گیلگمش» می‌رباید (گیلگمش، ۱۰۴) و مانع جاودان زیستی وی می‌شود. روایت آفرینش تورات و نقش دوگانه مار تداعی‌کننده روایت میان‌رودانی در اساطیر میان‌رودانی است.

مار در انگاره‌های مردم باستان و میان‌رودان سمبل حاصلخیزی و رشد بوده، و پوست‌اندازی سالانه مار، نشان از حیات دوباره و بی‌مرگی آن بوده است. اما پی‌جویی تغییرات بنیادینی که طی هزاره‌ها در فهم این انگاره داده حاکی از پایدار نبودن نمادها و

۱. EnūmaElisha / حماسه آفرینش بابلی که الواح آن توسط آستین هنری لاپارد در کاخ آشور بنی‌پال یافت شد. این روایت در هفت فصل و بیش از هزار سطر به زبان اکدی و خط میخی بابلی سامان یافته است. (وکیلی، ۱۳)

2. Nirah
3. Der
4. Ishtar
5. Ningišzida

۶. تیامت از خدایان نخستین، خدای آب‌شور و تلخ (تیامت، مادر) و آب شیرین (آپسو، پدر) از پیوند آب‌های شور و شیرین، خدایان نخستین پدید آمدند. «لحمو» و «لحامو» آغازین مخلوقات و ایزدانی و زوج مار اژدهاوش‌اند. (ژیران و دیگران، ۵۹)

امکان دگرگون شدن معانی آنها دارد؛ به گونه‌ای که این انگاره جایگاه زاینده بودن و نقش حیات داشتن خود را با جایگاه شیطانی عوض کرده است. در فرهنگ عبری جانوران درنده و مارهای گزنده - که دارای روح شیطانی بودند - مورد احترام بودند. (مبلغی آبادانی، ۵۶/۲) پر واضح است که در ادیان ابراهیمی مار، همدست شیطان و موجودی ملعون است، طبق روایات اسلامی مار حیوانی زیبا و دارای چهار پا مانند شتر بود و از خزانه دارهای بهشت به شمار می‌رفت. اما چون با ابلیس در اغوای آدم همکاری کرد، خداوند مار را از بهشت رانده و او را به خاک خوردن و با شکم خزیدن عقوبت کرد. در تورات نقش گناه‌آلود مار بیشتر است چرا که در اینجا خودِ مار وسوسه‌گر است. (قائمی‌منش، ۵۴)

روایت‌گری تورات از فریفته شدن آدم و حوا توسط مار - در دهان مار یا به شکل مار- (پیدایش ۳: ۱-۱۴) که با معانی دشمنی و سخن چین همسازی دارد، نمایی از دگردیسی معنایی این کهن الگو است. این کاربست معنای نوین در عهد جدید هم جلوه‌گری دارد و واژگان اژدها، مار، ابلیس و شیطان را همسان پنداشته که دارای تبار فرشتگان‌اند. (مکاشفه ۱۲: ۹؛ مکاشفه ۲۰: ۲) با توجه به این گفته‌ها باید گفت، پی‌جویی دگرگونش معنایی شیطان در توالی زمانی هزارگان فهم این انگاره را ناپایدارنموده که با رهیافت بینامتنی دگردیسی معنایی آن در امور منفی و ناخوشایند قابل دسترسی است.

۴- انگاره شیطان در روایت‌گری کتاب مقدس

نیروهای شر در روایت تورات به دو صورت طبیعی، جانمند^۱، عینی بهره داشته و مستقل از یهوه و از سوی دیگر انتزاعی گزارش شده است. در این راستا شیوه روایت‌گری اسفار پنج‌گانه عهد عتیق از شیطان با روایت‌های پسینی آن همانند زکریا و ایوب متفاوت می‌باشد. بنابر گزارش عهد عتیق شیطان در باغ عدن به شکل مار ظاهر شد و حوّا را فریب داد. (پیدایش، ۳: ۱-۷؛ حزقیال، ۲۸: ۱۳) در این روایت شیطان موجودی

1. Animalism

آگاه، خردورز و انسان‌وار معرفی شده که در پی خرد ورزی و معرفت آدمی است.^۱ (پیدایش، ۳: ۱-۱۴) افزون بر آن، خدا (یهوه) دشمن آدمی دانسته شده که به دنبال فریبکاری در بازداري انسان از برخورداری جاودان زیستی، دانش و معرفت است. در این الگوی روایی، شیطان موجودی خیرخواه شناخته شده که خواهان نجات آدمی از فریب خدا است.

صورت‌بندی شیطان در شکل مار در روایت‌گری تورات و گفتگوی میان وی و حوا یادآور کنشگری مثبت مار در روایت میان‌رودان است. بنابر روایت تورات مار به حوا می‌گوید: «شما نخواهید مرد اما خدا می‌داند روزی که از آن بخورید چشمان شما باز شود و بسان خدا به نیک و بد آگاهی می‌یابید.» (پیدایش، ۴: ۳-۵) در این روایت حوا فریفته فریبندگی شیطان می‌شود و میوه ممنوعه در نظرش خوشایند و دل‌انگیز می‌نماید؛ و با خوردن آن خود و همسرش با نهیب خداوند روبه‌رو می‌شوند. (پیدایش، ۱: ۳-۷) هرچند در روایت‌گری تورات، خداوند از این کنش‌ها آگاهی ندارد. (پیدایش، ۳: ۸-۱۳)

تنخ در ادامه سنخ دیگری از شیطان را روایت می‌کند. هرچند در این روایت شیطان دارای ماهیت عینی و انسان‌وار معرفی گشته، اما به گونه بدخواه انسان نمایش داده می‌شود. براساس روایت‌گری تورات، شیطان افزون بر همنشینی و حضور در آسمان و در پیشگاه خداوند (ایوب، ۱: ۶-۸) درباره یکی از برگزیدگان (ایوب) با یهوه مناظره می‌کند (ایوب، ۱: ۸) و راست‌کرداری و دوری‌گزیدن از گناهان ایوب در زیست فردی و اجتماعی را به دلیل بهره‌مندی گسترده از نعمت و فزونی رفاه دانسته است. (ایوب، ۱: ۶-۱) خداوند به عنوان خیرخواه ایوب همه دارایی ایوب را به شیطان داده و از وی می‌خواهد دستش را بر ایوب دراز نکند. (همان، ۱: ۷-۱۳) در روایت دیگر شیطان نقش آزمون‌گر را ایفا می‌کند و برای اثبات گفته خود در ناراستی ایوب از خدا می‌خواهد که وی را در آزمونی به وی بسپارد و خدا ایوب را به شیطان واگذار کرد. (همان، ۲: ۱-۱۰) لازم به یادآوری است که گزاره‌های پیشین در این روایت، ناآگاهی خداوند از کنشگری شیطان در پرسش «کجا

۱. این روایت از شیطان با ترجمه یونانی «دیاپولس» در معنی سخن چین همخوانی دارد. (هاکس، ۵۴۵)

بودی؟» بازخوانش می‌شود. (همانجا) چنین ماهیت بدسرشت، گمراه‌کننده و آزماینده در صحیفه زکریا (زکریا، ۳: ۲-۳) و داود هم بازنمون می‌شود. (اول تواریخ، ۲۱: ۵-۱)

البته شیوه رویارویی و کارکرد شیطان در روایت‌گری تورات یادآور نقش دوسویه «ایزد انکی»^۱ در رویداد طوفان است. بنابر روایت‌های میان‌رودانی ایزد انکی از یک سو برای نابودی آدمیان در اجتماع خدایان شرکت کرده و توصیه‌هایی برای نابودی انسان‌ها ارائه می‌کند و از سوی دیگر با آشکارسازی تصمیم‌های ایزدان به عنوان حامی و هدایت‌گر نقش رهایی از طوفان را برای اتره خسیس (نوح اکدی) ایفا می‌کند. کنش متفاوت ایزد انکی در برابر سایر خدایان و انسان (گری، ۵۵) در روایت‌گری تورات از شیطان به صورت تدبیرگر و گمراه‌کننده برای انسان بازتولید می‌شود.^۲ به نظر می‌رسد دگرگونی‌های روایی به دلیل همکنشی با همسایگان و تیره‌های مختلف (اسارت در بابل) به ویژه آشنایی بادین زرتشت و شیوه روی آوری آنان به اهریمن با سویه بی صورتی و انتزاعی بود که روایت‌گری تورات را تحت تاثیر قرار داد. چنین پنداری در گمانه برخی که مدعی شدند وجود انگاره‌هایی همانند ابلیس، اژدها (مکاشفه، ۱۲: ۷-۹)، ارواح پلید (متی، ۱۲: ۲۲-۲۴؛ مرقس، ۳: ۹-۱۱) و جن / اصحاب اجنه (لاویان، ۱۹: ۳ و ۲۰: ۶، لاویان، ۲۰: ۲۷؛ تثنیه، ۱۸: ۱۱؛ دوم پادشاهان، ۲۱: ۶؛ اول سموئیل، ۲۸: ۱-۲۰) از باورهای یهودیان نبوده و به دلیل همکنشی با طوایف بابلی و میان‌رودانی و نیز آشنایی با دین زرتشتی بوده که در تنخ راه یافته (انس امیرکانی، ۳۸۷/۱؛ مبلغی آبادانی، ۲۳۵/۲) قابل پی‌جویی است.

انگاره شیطان در گفتمان عهد جدید، به عنوان موجود آزماینده عیسی (ع) از جانب خدا، (متی، ۴: ۱، ۵) و سوسه‌گر (متی، ۴: ۱۱؛ مرقس ۱: ۱۳) دارای قدرت چیرگی بر آدمیان (لوقا ۱۳: ۱-۱۶) که برای رسیدن به اهدافش ایستادگی کرده و ناامید نمی‌شود. (لوقا ۲۲: ۳-۶؛ یوحنا ۱۳: ۲ و ۲۷ و ۶: ۷۰-۷۱) البته در آخرالزمان شیطان به وسیله فرشته‌ای در

۱. Enki: یکی از خدایان سومر که حامی شهر اریدو بود.

۲. در گمانه برخی روایت فریبکاری شیطان در تورات برگرفته از روایت‌های بابلی است. (هوردن، ۳۶-۳۹ و ۵۹-۵۴؛ باربور، ۱۳۰-۱۳۱؛ یوسفیان، ۲۵۴).

چاهی بی‌انتهای به مدت هزار سال اسیر خواهد شد، تا نتواند هیچ قومی را بفریبد (مکاشفه ۲۰: ۷-۱) در این مدت عیسی (ع) حکومت خواهد کرد که همان رستاخیز اول است. (آشتیانی، ۳۰۴) در اندیشه باوری مسیحیان فرا رسیدن ملکوت خداوند مسبوق به فرمانروایی شیطان و به کمال رسیدن بدی، است. (دورانت، ۱۶۲۸؛ مکاشفه، ۲۰: ۷-۱۱) به نظر می‌رسد انگاره شیطان در اناجیل - با توجه به تصویرسازی‌های روشن، با ذکر زمان و مکان - رویکرد عینی و انضمامی دارد اما در مکاشفه یوحنا به رویکرد انتزاعی و ذهنی دگردیسی یافته است.

۵- مفهوم شیطان در فرهنگ پیشا قرآنی

مفهوم شیطان در فرهنگ سامی به عنوان اسم خاص رواج داشت. (جفری، ۲۸۲) نام‌های افرادی همانند، الشیطان بن عوف بن النخع (ابن حزم، ۴۱۶) معاویه بن الشیطان ابن معاویه (ابن حزم، ۲۰۸) عاهان بن الشیطان (ابن درید، ۴۰۱) و شراحیل بن الشیطان بن الحارث (ابن درید، ۴۰۶) بازنمایی از گستره استعمال و آگاهی عرب پیشا اسلام از این مفهوم است. با ارجاع به متون پیشا اسلامی می‌توان به‌کارگیری واژه «شیطان» یا «شیطان الحماطه» با معناداری مار را دریافت. (ابن‌منظور، ۲۳۸/۱۳؛ ابن‌ناقی، ۷۰؛ فراهیدی، ۲۳۶/۶؛ ازهری، ۲۱۳/۱۱) چنین کاربردی در اشعار عرب^۱ بازنمایی از برداشت، تجربه و شیوه کاربستی این واژه در زیسته عرب می‌باشد. (عباسی و دیگران، ۹۵-۱۰۵) در گامی فراتر استعمال نام‌های قبیله به مار همانند بنوحیه، بنوافعی و بنوخش - از شاخه‌های قبیله اوس - بیانگر کارکرد معنوی و توتم^۲ بودن آن در میان سامیان است. (جفری، ۲۸۲)

به نظر می‌رسد به‌کاربردن مفهوم شیطان در برداشت مار به دلیل همکنشی با اقوام هم‌جوار (میان‌رودان) باشد. چنانچه آمد در فرهنگ میان‌رودان مار دارای کارکرد مثبت، به

۱. تلاعب مثنیٰ حضرمی کانه تعمج شیطان بذی خروج قفر (ابن‌قتیبه، ۲۲۴؛ ابن‌ناقی، ۷۰) آنان (عنان‌ها) بر پشت شتر حضرموتی همچون پیچ و تاب خوردن مارها در بیابانی که گیاه خروج در آن روییده باشد، به خود می‌پیچند. (عسگری، ۲۱۰؛ ازهری، ۲۱۳/۱۱-۲۱۴)

۲. توتم پرستی نوعی باور درباره پیوند و ارتباط معنوی و خویشاوندی بین گروهی از آدمیان با یک موجود فیزیکی دیگر (حیوان، گیاه یا شیء) با عنوان توتم برای محافظت از طایفه می‌باشد. (گولد و کولب، ۲۷۳-۲۷۴)

صورت یاری‌رسان، عامل باروری زمین، پوست‌اندازی سالانه آن نشان از بی‌مرگی (قائم‌منش، ۵۴) و دورکنندگی نیروهای شرکه به قلمرو خدایان رسیده بود. (مظفری، زارعی، ۹۱) در ادامه باید افزود که اندام گونگی خدایان میان‌رودان در شکل مار (Thorkild, 104) نشان از استواری و تاثیرگذاری آن در این سرزمین دارد. در این تحولات ناپایدار معنای شیطان و کارکرد آن از خوشایندی به ناخوشایندی و به طور کلی امور منفی باز تولید شد. (قائم‌منش، همان‌جا)

شیوه زیسته در دوران پیشاقرآن، پیروی از قواعد فراطبیعی و امور کیهانی اساطیری بود. این شیوه زیستی همبسته با تنوع پرستش بسان چندگانه‌پرستی با اشکال گوناگون، پدیدارهای جمادی، اجرام آسمانی، (حموی بغدادی، ۲۳۵/۲-۲۳۶) نمود جانوری، گیاهی و امور کیهانی در سایه رب‌الارباب‌پرستی خوانش می‌شود. (فیومی، ۵۱۹/۱-۵۲۰) قرآن کریم در واکنشی، باورهای اعراب پیشااسلامی را درباره امور کیهانی بیان می‌دارد: «وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ. وَ لِلَّهِ شَرِيعَاتُهَا وَ لِلَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْحُكْمُ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِمِثْلِ عِلْمِهِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِمِثْلِ قُوَّتِهِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِمِثْلِ جَلَالِهِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِمِثْلِ كِبَارِهِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِمِثْلِ عِزِّهِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِمِثْلِ قُدْرَتِهِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِمِثْلِ عِلْمِهِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِمِثْلِ قُوَّتِهِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِمِثْلِ جَلَالِهِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِمِثْلِ كِبَارِهِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِمِثْلِ عِزِّهِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ مِنْ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِمِثْلِ قُدْرَتِهِ» (الانعام/ ۱۰۰) در پنداره عرب جاهلی فرشتگان همان ارواح بودند که پرستش می‌شده است. «وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ. وَ [یاد کن] روزی را که همه آنان را محشور می‌کند آن‌گاه به فرشتگان می‌فرماید آیا این‌ها بودند که شما را می‌پرستیدند.» (سبا/ ۴۰) شاید این باورمندی در همنشینی و همکنشی با یهودیان و ملت‌های همسایه در میان اعراب رواج یافته باشد. (فیومی، ۵۲۰/۱) اعتقاد به وجود حضور عینی شیطان در زیست مردمان این دوره در ادبیات شعری و قرآن کریم (شعراء/ ۲۲۱-۲۲۲) روایت شده است. دوستی، همنشینی و همراهی با شیطان بازنمونی از وجود عینی و حضور او در زیست این مردمان است (آلوسی، ۳۶۵/۲؛ جاحظ، ۴۳۳/۶؛ فوزی، ۱۰-۱۲) در پنداره اعراب کهن شاعران از نیروی آسمانی بهره داشته که در سرایش شعر

آنان را یاری می‌رساندند. (فیومی، ۵۱۹/۱) همنشینی با شیطان و داوری او میان شاعران جهت داوری شعر و ترجیح شعر، نمودی از کارکرد آن را در میان عرب پیشااسلام است.^۱ (القرشی، ۴۹/۱-۵۰؛ فوزی، ۱۰-۱۲)

گستره کاربرد انگاره غول به عنوان آفریده شیطان با کارکرد فریبکاری و قابلیت شکل‌پذیری و دگرگونی، به گونه عینی و انتزاعی در ادبیات این دوره قابل پی‌جویی است. (ابن‌کثیر، ۲۸۶/۲؛ التبریزی، ۴۴۳/۱) باور به جن‌پرستی، (الاعراف/۱۹۴) و حلول آن در جسم آدمی و دارابودن قدرتی برابر با خدا، شایستگی پرستش را برای آن ایجاد نمود. (وکیلی، ۱۰۶-۱۲۶) به هر روی وجود و نقش شیطان، غول و جن در زیست مردمان عرب پیشا اسلام یادآور کهن‌الگوهای اساطیری است. در رهیافت اساطیری، کنش انسان بدوی بازنمونی از رفتار ایزدان در آسمان است و انسان کهن متناسب با الگوی ازلی، رفتارش را تقلید می‌کرد. (الباده، ۴۹-۵۰) براین اساس رفتار مقلدانه از شیطان، جن و غول، تلاش برای نزدیکی به آنها و دخالت‌گری این موجودات در فرایند زیسته افراد نوعی دگردیس شده فرهنگ اساطیری است.

۶- انگاره شیطان در فرهنگ اسلام

ساختار پایه‌ای واژه شیطان با گمانه‌های متفاوت قابل ریزنی است. برگرفته از «شَطَنَ» به ریسمان بلند که با آن از چاه آب کشیده می‌شود، (فراهیدی، ۲۳۶/۶؛ ازهری، ۲۱۳/۱۱) «شَاطُ، یَشِيطُ» در معنای آتش گرفت یا هلاک شد (ابن‌منظور، ۲۳۸/۱۳؛ بستانی، ۵۱۱) یا از واژه «شوط» به معنای یک بار دویدن و به پایان رسیدن (فراهیدی، ۲۷۵/۶؛ فیروزآبادی، ۵۶۲/۲؛ ابن‌منظور، ۳۳۷/۷؛ طریحی، ۲۵۹/۴) که به نظر می‌رسد این واژه در مفهوم محوری خود آرام آرام در پی کاربردهای مجازی دچار دگرگونش شد. (اشتفان، ۵۴) براین

۱. ابن‌مروزی روایت دیدار شاعری در بیابان با جنی به نام مسحل و درخواست شعرخوانی از شاعران بسان امرؤ القیس، نابغه ذبیانی، اعشی و دیگر شاعران و همنشینی با او را پیشا اسلام آورده است. (القرشی، ۴۸/۱-۵۰) روایت سفر اعشی برای دیدار با قیس بن معدی کرب در حضرموت که به دیدار شیطان (مسحل) می‌انجامد. (آلوسی، ۳۶۲/۲-۳۶۸).

اساس واژه شیطان در آغاز برای امور عینی به کار می‌رفته و سپس در فرهنگ گفتمانی قرآن کریم با کارکرد وسوسه‌گری که در پی به بند کشاندن آدمیان است به ساحت معنایی انتزاعی دگردیس شده است. بنابراین در روایت‌گری قرآن کریم واژه شیطان در معانی ثانوی همانند «دورکننده انسان از حق»، «دور شدن از خیر»، (ابن‌درید، ۸۶۷/۲؛ طریحی، ۲۷۱/۶؛ فراهیدی، ۲۳۷/۶) «سرکشی» (طبرسی، ۳۶/۱؛ ازهری، ۲۱۴/۱۱) و در کارکرد اسمی برای «هر فرد پلید و بدخوی از جنّ و انس و حیوانات» به کار رفته است. (راغب، ۴۵۴؛ ابن‌منظور، ۲۳۸/۱۳؛ طبرسی، ۳۶/۱)

۷- مفهوم شیطان در روایت‌گری قرآن کریم

در روایت‌گری قرآن نام شیطان و ابلیس به عنوان موجودی شرور همسان انگاشته می‌شود. (البقره / ۳۴-۳۶؛ الاعراف / ۱۱-۲۰) به کارگیری شیطان در معنای ارواح خبیثه همساز با کار رفت آن در شعر کهن عرب می‌باشد و هم پیوند با کهن‌الگوی مار، غول‌ها و اجنه سازگار است. (جفری، ۲۸۳) ابلیس در روایت قرآن کریم موجود سرکشی است که در برابر فرمان خداوند سرکشی نمود «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ» (البقره / ۳۴؛ الاعراف / ۱۱؛ الاسراء / ۶۱؛ طه / ۱۱۶؛ الکهف / ۵۰) افزون بر آن به ویژگی‌های اغواگری، (الحجر / ۳۹؛ ص / ۸۲؛ النساء / ۱۹ و ۱۲۰) دشمن انسان، (البقره / ۱۶۸ و ۲۰۸؛ الانعام / ۱۴۲، الکهف / ۵۰) رانده شده (الاعراف / ۱۳ و ۱۸؛ الحجر / ۳۴) متکبر، (ص / ۷۱-۷۶) لعن شده (النساء / ۱۱۷-۱۱۸) زینت‌گر کارهای انسان (الحجر / ۳۹) بوده و از هر طرف بر انسان می‌تازد (الاعراف / ۱۷) بازشناخته شده است. ابلیس بعد از سرکشی در برابر خداوند، ملقب به شیطان شد که در برخی موارد مصداق آن خاص (ابلیس) است. (البقره / ۳۶؛ الاعراف / ۲۷؛ یوسف / ۵؛ الاسراء / ۵۳) و غالباً اسم عام برای هر موجود پلید اغواگر اعم از جن و انس و سپاهیان ابلیس است. (الانعام / ۱۱۲) افزون بر آن در قالب تشبیهی برای هرکنش بد هم به کار رفته است. (الاسراء / ۲۲) قلمرو تسلط شیطان، ساحت‌های تشریعی است و با

سلاحی و سوسه‌گری (الناس/ ۴-۵) دعوتگری دارد. «وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي (ابراهیم/ ۲۲) مرا بر شما هیچ غلبه و تسلطی نبود، فقط شما را دعوت کردم [به دعوتی دروغ و بی‌پایه] و شما هم [بدون اندیشه و دقت دعوتم را] پذیرفتید.»

در قرآن کریم ویژگی و کارکرد شیطان در قالب همگونی روایت می‌شود. در این الگو شیطان با حسادت و تکبر، دشمنی پیوستار با آدمی دارد «قَالَ مَا مَنَّكَ آلَا تَسْجُدُ إِذْ أُمِرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ (الاعراف/ ۱۲) فرمود چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از این که سجده کنی گفت من از او بهترم مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی.» و برخلاف روایت آغازین کتاب مقدس، محدودیت معرفتی شیطان با ناآگاهی از عالم غیب و امور نهانی هستی خوانش شده است. «إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِّن كُلِّ جَانِبٍ (الصافات/ ۶-۸) ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم [به طوری که] نمی‌توانند به انبوه [فرشتگان] عالم بالا گوش فرادهند و از هر سوی پرتاب می‌شوند.»

در خوانش قرآن کریم شیطان پس از نافرمانی و رانده شدن از بارگاه الهی از خداوند تا قیامت فرصت خواست. «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (الاعراف/ ۱۴-۱۵) گفت مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته خواهند شد مهلت ده. فرمود تو از مهلت یافتگانی.» و جایگاه پایانی وی و پیروانش در قیامت دوزخ روایت گردید. «فَوَرَّيْكَ لَنَحْشُرَنَّكَ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّكَ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثْيًا (النساء/ ۱۱۹) پس به پروردگارت سوگند که آنها را با شیاطین محشور خواهیم ساخت سپس در حالی که به زانو درآمده‌اند آنان را گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد.» (مریم/ ۶۸) در این روایت، کنش‌گری شیطان به صورت و سوسه و فریفتگی پیوسته آدمی تلاش در جهت گردن نهادن و بندگی شیطان آمده است. «وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا. و هر کس به جای خدا شیطان را دوست [خدا] گیرد قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است.» افزون بر آن شیطان با

بهره‌گیری از اختیار، به جای گزینش راه درست و رستگاری، راه کفر و دشمنی با انسان را انتخاب نموده که رهنمون به دوزخ است. آیات «وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَ الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا» (الجن / ۱۴-۱۵) و از میان ما برخی فرمانبردار و برخی از ما منحرفند پس کسانی که به فرمانند آنان در جستجوی راه درستند ولی منحرفان هیزم جهنم خواهند بود.» و آیه «وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا» (البقره / ۱۰۲) و آنچه را که شیطان [صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید لیکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند.» بازنمونی از آن است. در ادامه باید افزود که در روایت قرآن شیطان دارای جنسیت بوده بسان آدمیان زایش دارد. «أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا» (الکهف / ۵۰) آیا [با این حال] او و نسلش را به جای من دوستان خود می‌گیرید و حال آن‌که آنها دشمن شمایند و چه بد جانشینانی برای ستمگرانند.» و آفرینش آن‌ها پیش از آدمیان بوده است. «وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ» (الحجر / ۲۷) و پیش از آن جن را از آتشی سوزان و بی دود خلق کردیم.

در گفتمان قرآن کریم شیطان دارای ماهیت انتزاعی داشته و از دید آدمی نهان بوده و تنها برگزیدگان الهی از آن آگاهند. «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (الاعراف / ۲۷) در حقیقت او و قبیله اش شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید می‌بینند ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.» و نسبت شیطان با پیامبران و اوایای الهی ستیزه‌جویی است. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ.» و بدین‌گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم بعضی از آنها به بعضی برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا می‌کنند و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند پس آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند واگذار.» (الانعام / ۱۱۲)

در برخی از آیات کاربرد واژه شیطان برای بیان زشت منظری^۱ است. «إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ * طُلُعَهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ (الصافات/۶۴-۶۵) آن درختی است که در قعر دوزخ می‌روید* شکوفه‌هایش مانند سرهای شیاطین [بسیار بد نما و زشت] است.»

در روایتگری قرآن کریم جن نیز در قالب و کارکرد شیطانی بیان گشته و بشر در همه ادوار با آن آشنا بوده و او را دارای قدرتهای فوق بشری می‌پنداشته است. در کاربست قرآن کریم گاه مراد از شیطان طایفه جن است. «وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا (البقره/۱۰۲) و [یهودیان] از آنچه شیاطین در زمان پادشاهی سلیمان [از علم سحر بر مردم می‌خواندند] پیروی کردند. و [سلیمان دست به سحر نیالود تا کافر شود، بنابراین] سلیمان کافر نشد، ولی شیاطین کافر شدند.» (طباطبایی، ۲۳۵/۱) در خوانش قرآن گاهی منظور از جن شیطان می‌باشد «الَّذِي يُوسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ. (الناس/۴-۵) و برخی از شیطان‌های در تسخیر آدمیان قرار می‌گیرند. «وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ. و برخی از شیاطین بودند که برای او غواصی و کارهایی غیر از آن می‌کردند و ما مراقب [حال] آنها بودیم.» (الانبیاء/۸۲)

نتایج مقاله

- ۱- برآیند سیر تکون و تطور انگاره شیطان در پیوند با موضوع شر و نسبت دادن آن به نیروهای عینی است که در اساطیر (مصر، هند و بین النهرین) به شکل آیینی و چندخدایی بازتاب یافته و آنها را صاحب قدرت و تأثیرگذار در سرنوشت انسانی پنداشته‌اند.
- ۲- روایت‌گری تنخ از جهت وجود و کارکردی در پیوند با روایت‌های اساطیری و هم‌کنشی با تمدن‌های میان‌رودانی و ایرانی است و ایزدان بد سرشت و اهریمن / انگره مئینو (زرتشتیان) به شیطان مبدل شد.

۱. در پندار عرب فرشتگان در نهایت زیبایی و شیاطین در نهایت زشتی بودند. (فخررازی، ۳۳۷/۲۶؛ طبرسی، ۲۹۱/۴؛ طباطبایی، ۱۴۰/۱۷).

۳- در الگوی روایی تورات، انگاره شیطان به صورت متفاوت انضمامی (عینی) و انتزاعی (ذهنی) گزارش شده است. به نظر می‌رسد ناهمسانی روایی شیطان در متن مقدس به دلیل همجواری، همزیستی و همکنشی بنی‌اسرائیل با تمدن‌های میان‌رودانی و غیر آن و پیوند این سرزمین‌ها با اساطیرشان، در فرآیند تاریخی باعث تاثیرگذاری نظام گفتمانی اساطیری در سنت نوشتاری و شفاهی تنخ بود.

۴- انگاره شیطان در پیشا اسلام به صورت عینی و حضوری در زیست فردی و اجتماعی مردمان سامی گسترده می‌باشد. قرآن کریم با گفتمان ویژه، خوانش نوینی از انگاره شیطان ارائه کرد و آن از حالت محسوس و ملموس در معنای ثانوی و انتزاعی به عنوان موجود سرکش، نافرمان، رانده شد، ملعون، اغواگر، وسوسه‌گر، دشمن و بدخواه انسان روایت کرده و افزون بر آن در گامی دیگر کنش‌ها زشت آدمیان در ساحت‌های گفتاری و رفتاری در تشبیهی به شیطان خوانش شده است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. کتاب مقدس
۳. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین مسیح، تهران، نگارش، ۱۳۸۹ش.
۴. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، به کوشش محمدحسین عرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۵. همو، بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، بیروت، دارالعلمیه، بی‌تا.
۶. ابن حزم اندلسی، ابومحمد علی بن احمد بن سعید، جمهره أنساب العرب، تحقیق لیفی بروفنسال، مصر، دارالمعارف، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
۷. ابن دریدالأزدی، محمد بن حسن، الاشتقاق، عبدالسلام محمدهارون، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م.
۸. ابن قتیبه، ابومحمد عبدالله بن مسلم، الشعر والشعراء، تحقیق: احمدشاکر، مصر، دارالمعارف، ۱۴۲۳ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل، البداية و النهایة، تصحیح و تعلیق علی شیری، بیروت، دارالتراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۱۱. ابن ناکیا، عبدالله بن محمد، الجمان فی تشبیهاة القرآن (ترجمه)، آستان قدس رضوی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۱۲. ازهری، ابومنصور محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۳. اسماعیل یور، ابوالقاسم، اسطوره بیان نمادین، تهران، سروش، ۱۳۸۷ش.
۱۴. اشتفان، فیلد، الاساس فی اللغة العربیه، ترجمه سعیدحسن بحیری، قاهره، مؤسسة المختار، ۲۰۰۲م.
۱۵. اشرفی، عباس، معناشناسی داستان و اسطوره در قرآن، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۱۹، ۱۳۷۸ش.
۱۶. امیرکائی، جیمس انس، نظام التعلیم فی علم اللاهوت القویم، بیروت، الأمیرکان، ۱۸۸۸م.
۱۷. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمنشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ش.
۱۸. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۱۹. بلک، جرمی، گرین، آنتونی، فرهنگنامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان، ترجمه پیمان متین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵ش.
۲۰. بهار، مهرداد، ادیان آسیایی، تهران، چشمه، ۱۳۷۵ش.
۲۱. بوکای، موریس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، مترجم ذبیح‌الله دبیر، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴ش.
۲۲. پورداود، ابراهیم، گات‌ها، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸ش.
۲۳. التبریزی، ابی زکریا یحیی بن علی، شرح دیوان الحماسه، کتابخانه دیجیتال مدرسه فقاہت، بی‌تا.
۲۴. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت، ۱۳۸۵ش.
۲۵. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر، الحيوان، الطبعة الثانية، بیروت، دارالکتب، ۱۴۲۵ق.

۲۶. جفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، توس، ۱۳۸۶ش.
۲۷. چیغ، مغز علمیه، تورات در اعماق سنگ نبشته‌ها: پژوهشی پیرامون ریشه‌های کتب مقدس در کتیبه‌های سومری، برگردان، صاحب قلم، روح‌الله، تبریز، ارک، ۱۳۹۰ش.
۲۸. حموی بغدادی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵م.
۲۹. خانی، حامد، قرآن‌پژوهشی و تاریخ انگاره‌ها (مقالات برگزیده نخستین همایش ملی کاربرد رویکرد تاریخ انگاره در مطالعات قرآنی)، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، پژوهشکده قرآن و عترت، ۱۳۹۷ش.
۳۰. خدابخشی، سهراب، پزشکی در ایران باستان، تهران، فروهر، ۱۳۷۶ش.
۳۱. دماوندی، مجتبی، «جادو در ایران باستان و کیش زرتشت»، مطالعات ایرانی، پیاپی ۱۰، ۱۳۸۵ش.
۳۲. دوبوکور، مونیک، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، تهران، مرکز، ۱۳۸۷ش.
۳۳. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ش.
۳۴. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن. بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۳۵. رستگار فسائی، منصور، پیکرگردانی در اساطیر، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹ش.
۳۶. رستمی، محمدحسن، و دیگران رهایی از رنج در آموزه‌های قرآنی و آیین بودا، آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۸، ۱۳۹۲ش.
۳۷. زیران، فلیکس، دلاپورت، لویی ژوزف، لاکوئه، جی، فرهنگ اساطیر آشور و بابل، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران، فکر روز، ۱۳۷۵ش.
۳۸. سامی، علی، تمدن هخامنشی، تهران، پازینه، ۱۳۸۹ش.
۳۹. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، ادیان ابتدایی و خاموش، قم، آیت عشق، ۱۳۸۲ش.
۴۰. شاله، فلیسین، تاریخ مختصر ادیان، ترجمه منوچهر خدایا محبی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش.
۴۱. شوالیه، ژان، فرهنگ نماده: اساطیر رویاها رسوم و...، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، تهران، جیحون، ۱۳۷۹ش.
۴۲. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵ش.
۴۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۴۴. طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۵. طبرسی، فضل‌بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۲ق.
۴۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۴۷. عباسی، سلیمان، و دیگران، «تبارشناسی انگاره شیطان در تورات و قرآن کریم»، پژوهش دینی، دوره ۱۹، شماره ۴۰، ۱۳۹۹ش.
۴۸. عسگری، انسیه، «معناشناسی نوین از واژه شیطان»، پژوهش‌های قرآنی، سال ۱۶، شماره ۴۴، ۱۳۸۹ش.
۴۹. غفاری قدیر، جلال، یاوری، بهروز، بازنمایی دوران دفاع مقدس (جنگ عراق و ایران) در سایت و شبکه بی‌بی‌سی فارسی، مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سال ۳، شماره ۱، ۱۳۹۶ش.

۵۰. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۵۱. فرامرز قراملکی، احد، قدرت انگاره، تهران، مجنون، ۱۳۹۶ش.
۵۲. فروند، ژولین، نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، ترجمه: محمد کاردان، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲ش.
۵۳. فوزی، خلیل عطوی، دیوان الاعشی، بیروت، دارصعب، ۱۹۸۰م.
۵۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵۵. الفیومی، محمدابراهیم، تاریخ الفکرالدینی الجاهلی، الطبعة الرابعة، دارالفکر العربی، ۱۴۱۵ق.
۵۶. قائمی‌منش، فائزه، نشانه‌شناسی تصویری نقش مار در آثار احمد نادعلیان براساس دیدگاه پیرس، هنرهای کاربردی، شماره ۸، ۱۳۹۵ش.
۵۷. قدیانی، عباس، تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۱ش.
۵۸. القرشی، ابوزیدمحمدبن‌الخطاب، جمهرة اشعارالعرب فی الجاهلیة و الاسلام، مصر، الناشر نهضة مصر، ۱۹۸۱م.
۵۹. کاژدان، آ. و دیگران، تاریخ جهان باستان، جلد اول، شرق، ترجمه صادق انصاری و دیگران، تهران، اندیشه، ۱۳۵۳ش.
۶۰. کرتیس، وستا سرخوش، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۸۶ش.
۶۱. کلانتر، نوش آفرین، و دیگران، نمادینگی ازدها در عرفان و دین و بن‌مایه‌های اساطیری آن، کاوش‌نامه، دوره ۲۰، شماره ۴۱، ۱۳۹۸ش.
۶۲. کولب، ویلیام، گولد، جولوس، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، مازیار، ۱۳۸۴ش.
۶۳. کومون، فرانسیس، ادیان شرقی در امپراتوری روم، ترجمه ملیحه معلم و پروانه عروج، تهران، سمت، ۱۳۷۷ش.
۶۴. گرامی، سیدمحمد‌هادی، دهقانی، علیرضا، مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای: جستارهایی درباره تاریخ‌نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶ش.
۶۵. گری، جان، اساطیر خاور نزدیک (بین‌النهرین)، ترجمه باجلان فرخی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۸ش.
۶۶. گلشنی، علی، «فهم فلسفی و تاریخی اندیشه سیاسی براساس تلفیقی از دیدگاه‌های اسکینر، اکشات و اسپرینگز»، نامه مفید، شماره ۶۸، ۱۳۸۷ش.
۶۷. گیل گمش، ترجمه احمد شاملو، تهران، چشمه، ۱۳۹۲ش.
۶۸. مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، قم، انتشارات منطق (سینا)، ۱۳۷۳ش.
۶۹. مرتضوی، سید خدایار، «کاوشی در روش شناسی تاریخ اندیشه‌های سیاسی»، در فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۱، ۱۳۸۸ش.
۷۰. مظفری، علیرضا، زارعی، علی‌اصغر، ضحاک و بین‌النهرین، ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال ۹، شماره ۳۳، ۱۳۹۲ش.
۷۱. میلر، ویلیام مک‌الوی، تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، تهران، انتشارات حیات ابدی، ۱۹۸۱م.
۷۲. ناس، جان‌بی، تاریخ جامع ادیان، علی‌اصغر حکمت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ش.

۷۳. نایب‌زاده، راضیه، سامانیان، صمد، ازدها در اسطوره‌ها و فرهنگ ایران و چین، ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال یازدهم، دوره ۱۱، شماره ۳۸، ۱۳۹۴ ش.
۷۴. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، ۱۳۹۴ ش.
۷۵. هوردرن، ویلیام، راهنمای الهیات پروتستان، ترجمه طاطهوس میکائیلیان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.
۷۶. هوشنگی، لیلا، و دیگران، درباره یهود (بنی اسرائیل، تورات، تلمود)، تهران، نشر مرجع، ۱۳۹۱ ش.
۷۷. هینلز، جان راسل، شناخت اساطیر ایران، ترجمه باجلان فرخی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵ ش.
۷۸. وکیلی، الهه، ویژگی‌های خلقت جن از منظر قرآن، اندیشه نوین دینی، شماره ۱۱، ۱۳۸۶ ش.
۷۹. الیاده، میرچا، چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمه: ستاری، جلال، تهران، توس، ۱۳۶۲ ش.
۸۰. همو، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش، ۱۳۸۵ ش.
۸۱. یوسفیان، حسن، کلام جدید، تهران، سمت، ۱۳۹۱ ش.
82. Baden, Joel S. The Composition of the Pentateuch: Renewing the Documentary Hypothesis. Anchor Yale Reference Library, New Haven, Yale University Press, 2012.
83. Campo, J. E. Satan, Encyclopedia of Islam, New York City, Infobase Publishing, 2009.
84. Kelley, Donald R. "What is Happening to the History of Ideas?" in: Journal of the History of Ideas, No. 51, 1990.
85. Kelly, H. A. Satan: A Biography, Cambridge, England, Cambridge University Press, 2006.
86. Lovejoy, A. O. The Great Chain of Being A Study of the History of an Idea, The William James Lectures Delivered at Harvard University, 1936.
87. Skinner, A. Serpent Symbols and Salvation in the Ancient Near East and the Book of Mormon, London, 2001.
88. Thorkild, Jacobsen, "The Battle between Marduk and Tiamat" Journal of the American Oriental Society, No 88, 1968.